

پیک یزدان

سخنران: دکتر نصرت‌الله محمد حسینی

تاریخ اجراء: ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۴

سخنرانی صد و سی و سوم

موضوع: تربیت روحانی

رادیو پیام دوست: شنوندگان عزیز رادیو پیام دوست، امروز آقای دکتر نصرت‌الله محمد حسینی استاد پیشین دانشگاه طهران و پژوهشگر بهائی، در مسیر شرح تاریخ و تعالیم دیانت بهائی که خود بخشی از بحث کلی ایشان در باره تاریخ و تعالیم آئین‌های آسمانی به ویژه وحدت اساس ادیان الهی است، توضیح اصل تقدّم تربیت روحانی را به عنوان یکی از اصول آئین جهانی بهائی آغاز می‌نمایند. اصلی که به ما می‌آموزد مظاهر الهیه یعنی پیامبران الهی مربیان آسمانی‌اند که در هر دور به اراده الهی به جهت تربیت انسان‌ها مبعوث می‌شوند. اصل تقدّم تربیت روحانی گویای آن است که اگر چه تحصیل معارف انسانی یعنی علم، هنر و فلسفه در آئین بهائی واجب است و تحصیل این معارف بسیار تأکید گشته است اما این تحصیلات بدون اعتقاد و عمل به اصول عالیّه اخلاقی انسانی، آدمی را به سعادت حقیقی واصل نمی‌سازد. تربیت روحانی در این عصر بلوغ انسانی، آدمی را پای بند مهر و شفقت به همگان و قواعد اخلاقی چون راستی، درستی، گذشت، وفاء، پاکدامنی، امانت، انصاف و عدالت می‌نماید، و از این رو مقدّم بر تربیت ظاهری انسانی یعنی تحصیل معارف بشری است.

دکتر محمد حسینی: سپاسگزارم، شنوندگان عزیز و پر مهر و باوفای رادیو پیام دوست، پس از درود فراوان، مقدّمه عرض شود که تعلیم و تربیت کودکان در آئین بهائی امری عمومی و اجباری است. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس و دیگر الواح حضرتشان پدران و مادران را نخستین مسؤولان تعلیم و تربیت کودکان شمرده‌اند. در بیانات مبارکه آن حضرت تکلیف کودکانی که به دلائل مخصوص از این تعلیم و تربیت محروم گشته‌اند دقیقاً معین شده و مقامات جامعه مسؤول تعلیم و تربیت این کودکان و تأمین مخارج آن مقرر گردیده‌اند. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس تصریح می‌فرمایند، هر فرد بهائی، هر نفسی که فرزند خویش و یا فرزند دیگری را تربیت نماید مانند آن است که فرزند حضرت بهاء‌الله را تربیت کرده‌است. به استناد آثار حضرت بهاء‌الله و دیگر طلعات مقدّس بهائی و توضیحات بیت‌العدل اعظم هیئت مدیره عالی مقام جامعه جهانی بهائی،

قصور در تعلیم و تربیت فرزندان گناهی است نابخشودنی و در صورت تقصیر در این امر که اعظم امور است حقّ پدری و یا مادری آنان ساقط می‌شود (مستند به نصوص متعدّدۀ مندرجه در قاموس کتاب اقدس).

پس از پدر و مادر مقام معلّم و مربّی به علّت نقش عظیمش در تعلیم و تربیت نفوس بسیار مورد تجلیل قرار گرفته است و حضرت بهاءالله حتّی برای معلّم و مربّی تحت شرائط خاصّ سهمی از ماترک شخص درگذشته مقرر فرموده‌اند که در مبحث قواعد اجتماعی آئین بهائی و توضیح چگونگی ارث، ایراث و توارث بدان اشاره خواهیم کرد. حضرت عبدالبهاء مبین آثار حضرت بهاءالله در خصوص اهمّیت خدمت معلّمان و مربّیان به عین عبارت چنین می‌فرمایند:

«الیوم ادیبی دبستان و تعلیم کودکان و ترویج معارف و علوم از وظائف مقدّسه انسان شمرده می‌شود. هرکس به نیّتی صادق و همّتی فائقه قیام بر این خدمت نماید البتّه موفق و مؤید گردد».

به استناد آثار مقدّس بهائی پدران، مادران و مربّیان باید وسائل تربیت جسمانی، انسانی و روحانی کودک را فراهم نمایند. تربیت جسمانی و انسانی باید مآلاً، باید سرانجام، با تربیت روحانی توأم شود تا نتایج مطلوب دهد و الاّ قصور در تربیت روحانی، تربیت جسمانی و انسانی را نیز به شرحی که بیان خواهیم کرد خنثی می‌نماید. مراد از تربیت جسمانی پرورش جسم کودک و حفظ سلامت و تأمین راحت اوست. مراد از تربیت انسانی آموزش خواندن و نوشتن و تعلیم علم، هنر و فلسفه به کودک و نوآموز است. تربیت روحانی در این تقسیم‌بندی تربیت اخلاقی و ایمانی کودک است که حتّی بر دو تربیت جسمانی و انسانی نیز در مقام و اهمّیت تقدّم دارد و شرح آن قریباً خواهد آمد.

حضرت عبدالبهاء مبین آثار حضرت بهاءالله در خصوص نتایج درخشان تعلیم و تربیت در لوحی می‌فرمایند:

«شاخ کج به تربیت راست گردد و میوه برّی جنگلی، ثمر بستانی شود و شخص نادان به تعلیم دانا گردد و عالم توحّش به فیض مربّی دانا، جهان تمدّن گردد... در کتاب الهی در این دور بدیع تعلیم و تربیت امر اجباری است نه اختیاری. یعنی بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به نهایت همّت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند و

این گناهی است غیر مغفور».

در یکی از خطابات مبارکشان می‌فرمایند:

«تربیت شاخ کج را راست کند، جنگل را بوستان نماید، درخت بی ثمر را با ثمر کند، خارستان را سنبلستان نماید، تربیت ممالک مخروبه را آباد کند، متوحش را متمدن نماید، تربیت جاهل را کامل کند، انسان را از ملکوت الهی خبر دهد، از خدا با خبر نماید، انسان را روحانی کند، کاشف اسرار طبیعت نماید، آگاه بر حقائق اشیاء کند.»

در این دو بیان حضرت عبدالبهاء به آثار تربیت در مفهوم عام خود که شامل تربیت جسمانی، انسانی و روحانی است اشاره می‌فرمایند. مظاهر الهیه، پیامبران آسمانی، مربیان واقعی افراد انسانی‌اند زیرا هر سه پویش تربیتی جسمانی، انسانی و روحانی را تأمین می‌نمایند و پدران و مادران و مربیان باید اصول و قواعدی را که مربیان آسمانی به عنوان زیربنای نظام اعتقادی مقرر می‌فرمایند مورد عمل قرار دهند. حضرت عبدالبهاء در این دور نورانی حضرت بهاء‌الله را به عین عبارت «اول مربی عالم انسانی» محسوب می‌فرمایند (جلد دوم خطابات، صفحه ۵۴، طبع طهران ۱۲۷ بدیع) زیرا در هزاران لوح کیفیت تربیت جسمانی، انسانی و روحانی آدمیان را توضیح فرموده و در نیل آنان به نتایج درخشان تربیت توفیق یافته‌اند. از ده‌ها نص مبارک حضرت عبدالبهاء روشن می‌شود که تربیت جسمانی و تربیت انسانی باید مقدمه تربیت روحانی شود. شاید بهتر باشد که گفته شود که تربیت روحانی کودک تربیت جسمانی و انسانی او را نیز در زیر پوشش خود دارد. بهر حال آنچه مسلم است در آئین بدیع بهائی تربیت روحانی کودک مقدم بر دو تربیت دیگر است. بیانات حضرت بهاء‌الله و آثار کثیر حضرت عبدالبهاء در این خصوص مؤید کلام است.

حضرت عبدالبهاء در تعریف تربیت جسمانی می‌فرمایند:

«تربیت جسمانی به جهت نشو و نمای این جسم است و آن تسهیل معیشت و

تحصیل اسباب راحت و رفاهیت است که حیوان و انسان در آن مشترکند.»

در باب تربیت انسانی می‌فرمایند:

«تربیت انسانی عبارت از مدنیت است و ترقی. یعنی سیاست و انتظام و سعادت و

تجارت و صنعت و علوم و فنون و اکتشافات عظیمه و مشروعات جسیمه که مدار

امتیاز انسان از حیوان است.»

سپس در تعریف تربیت روحانی یا تربیت الهی می‌فرمایند:

«تربیت الهیه تربیت ملکوتی است و آن اکتسابات کمالات الهیه است و تربیت حقیقی آن است زیرا در این مقام انسان مرکز سنوحات رحمانیه گردد... و آن نتیجه عالم انسانی است» (مفاوضات، صفحه ۶).

به استناد این بیان حضرت عبدالبهاء و ده‌ها بیان دیگر از آن حضرت و بیانات حضرت بهاءالله، بهائیان به تقدّم تربیت روحانی بر تربیت جسمانی و انسانی از حیث مقام و اهمیّت اعتقاد کرده‌اند. حضرت بهاءالله در لوح کلمات فردوسیّه می‌فرمایند:

«دارالتعلیم باید از ابتداء اولاد را به شرائط دین تعلیم دهند تا وعد و وعید مذکور در کتب الهی ایشان را از مناهی منع نماید و به طراز اوامر مزین دارد ولکن به قدری که به تعصّب و حمیه جاهلیّه منجر و منتهی نگردد».

همان گونه که توجّه فرمودید حضرت بهاءالله در این بیان می‌فرمایند که از همان آغاز آموزش در مدرسه باید کودکان را با حقائق روحانی آشنا نمود تا اصولی چون اعتقاد به جاودانگی حیات انسانی و لزوم مجازات و مکافات اخروی کودک را از همان دوران از کجروی باز دارد و وجودش را به زیب اطاعت از اوامر الهی زینت بخشد. خلق این اعتقادات در کودک باید به گونه‌ای باشد که هرگز در او تعصّب جاهلانه پدید نیآورد. این بیان حضرت بهاءالله حدود یکصد و سی سال پیش در عگا نازل گشته است، در ایّامی که جهان انسانی آکنده از تعصّبات جاهلانه دینی و نژادی بوده است. حوادث شوم دو سده نوزدهم و بیستم و پژوهش ده‌ها پژوهشگر برجسته جهان اینک برای جهانیان ثابت نموده است که بلای تعصّب چگونه هادم بنیان انسانی است. به قول پروفیسور جیمز مداک (James Maddock) استاد روان پزشکی دانشگاه مینه سوتا در کتاب معروف «آینده بی تاریخ» (The Future Without History) «عصر ما عصر ابهام (The Age Of Ambiguity) است. نه تکنولوژی می‌تواند ما را خوشبخت سازد و نه آن نظام‌های دینی که بر پایه تعصّبات استوارند می‌توانند بشریّت را از فنای واقعی نجات بخشند. تنها راه نجات انسانیت تعلیم و لقاء اصول و قواعد حقیقی دین به نوجوانان و تمسّک آنان به تعهّدات اخلاقی است». این قول پروفیسور مداک بود که نقل گردید. باید توجّه نمود که انسانیت غافل تا بیش از یک قرن پس از ظهور حضرت بهاءالله بدین دقایق توجّه نداشته است و در دهه‌های اخیر است که پژوهشگران بدین نکات روی آورده‌اند. «تعصّب و حمیه جاهلیّه» که حضرت بهاءالله بدان تصریح فرموده‌اند وحشتناک ترین عامل شکنجه مظلومان و نفوس بی‌گناه در تاریخ انسانی بوده است.

زیربنای اعتقادی تربیت روحانی بهائی به کلی هرگونه تعصّب جاهلانه را مردود شمرده است. پیش از توضیح اختصاری، زیربنای اعتقادی تربیت روحانی بهائی لازم است، چند فقره از بیانات حضرت عبدالبهاء را در بیان تقدّم تربیت روحانی بر تربیت ظاهری یعنی مادی قرائت نمائیم. در لوح مبارک خطاب به ملا حسین معلّم یزدی می‌فرمایند:

«اطفال سبق خوان را درس عشق الهی ده و تعلیم تعالیم آسمانی نما. زیرا اطفال... را تربیت و اخلاق و ادب بیش از دانش لازم و واجب و فرض، و همچنین پرداختن بدخو و بداخلاق و آلوده به لوّث شهوات را جز مضرتّ ثمری نه. ولی بیسواد خوش اخلاق خوش اطوار را باز ثمری و اثری موجود و مشهود. پس اطفال دبستان بهائی را به اخلاق رحمانی تربیت نما و به تنزیه و تقدیس دلالت کن تا هر یک ملک سیرت گردند و به حلّ صفات و اخلاق بهائی حقیقی مزین شوند».

در لوح مبارک خطاب به استاد محمّد ابراهیم عبودیّت می‌فرمایند:

«...تربیت و آداب اعظم از تحصیل علوم است. طفل طیّب و طاهر و خوش‌نیت و خوش اخلاق ولو جاهل باشد بهتر از طفل بی ادب کثیف و بداخلاق، ولو در جمیع فنون ماهر گردد. زیرا طفل خوش رفتار نافع است ولو جاهل و طفل بداخلاق، فاسد و مضّر است ولو عالم. ولی اگر علم و ادب هر دو بیاموزد نور علی نور گردد».

در لوح مبارک خطاب به انجمن مدرسه بهائی تربیت در طهران می‌فرمایند:

«...مدارس علوم، دبستان تعلیم و ادب باشد و در آداب و اخلاق بیش از علوم و فنون اهتمام نماید. زیرا آداب و نورانیت اخلاق مرجّح است. اگر اخلاق تربیت نشود علوم سبب مضرتّ گردد. علم و دانش ممدوح اگر مقارن حسن آداب و اخلاق گردد والاّ سمّ قاتل و آفت هائل. طیب بدخو و خائن سبب هلاک گردد و علّت انواع امراض. این قضیه را بسیار ملاحظه داشته باشید که اساس دبستان، اوّل تعلیم آداب و اخلاق و تحسین اطوار و کردار باشد».

اینک که چند فقره از بیانات حضرت بهاءالله شارع دیانت بهائی و حضرت عبدالبهاء مبین آثار حضرت بهاءالله در بیان تقدّم تربیت روحانی بر تربیت مادی قرائت گردید باید عرض شود که تربیت روحانی نفوس انسانی ابتداء به ساکن نیست، در خلاء انجام نمی‌یابد. در عین حفظ تقدّم خود همراه تربیت مادی یعنی جسمانی و انسانی انجام می‌یابد. به عبارت دیگر در طریق تربیت

روحانی کودک تربیت جسمانی او نیز حائز اهمیت است. کودک باید به نحو مطلوب پرورش جسمانی یابد. در حفظ سلامت و تعادل جسمانی او تلاش شود. توجه به کودک، احساس مسئولیت پدر و مادر و مربی در پرورش کودک خود طبع روحانی دارد. تربیت انسانی نیز که همان آشنائی کودک با انواع شناخت انسانی یعنی علم، هنر و فلسفه است در حدّ توان او ضروری است. ولیکن تربیت جسمانی و علمی کودک برای شکوفائی فضائل انسانی او کافی نیست و باید منضمّ به تربیت روحانی شود که آن تعلیم مقرّرات اخلاق رحمانی در این عصر نورانی است. چون مراد ما از تربیت روحانی، تربیت روحانی بهائی در عصر حاضر است، نظام اعتقادی آئین بهائی را به عنوان زیربنای تربیت روحانی باید مجدّداً مورد بررسی قرار داد. ضوابط نظام اعتقادی بهائی یعنی اصول و قواعدی که حضرت بهاءالله در عصر بلوغ عالم وضع فرموده‌اند چون به مرحله عمل رسد انسانی جدید می‌آفریند که به وحدت خداوند، وحدت دین و وحدت نوع انسان با همه هستی خویش باور دارد. این اصول و قواعد باید از آغاز کودکی به نفوس انسانی ارائه و تعلیم گردد. به همان ترتیب که جسمانیات کودک پرورش می‌یابد و از معارف انسانی بهره می‌گیرد، به همان ترتیب نیز باید به تدریج حقائق روحانی را بدو آموخت. نکته مهمّ این است که به نصّ حضرت بهاءالله تربیت روحانی نباید به هیچ‌وجه خلق تعصّب جاهلانه در کودک نماید. باید بدو وسعت نظر بخشد و مدارای با خلق بیاموزد و وجود او را آکنده از مهر و شفقت سازد. خداپرستی او را به اصل رحمانیت انسانی رهنمون شود و بداند که چون انسان مرکز سنوحات رحمانی است، مشرق صفات الهی است باید جوهر شفقت به همگان باشد.

سپاسگزارم

©2005 Bahá'í International Radio Service, "Payam-e-Doost" Radio Program (www.bahairadio.org)

حقوق کلیه مطالب درج شده در سایت "رادیوی پیام دوست"، برنامه فارسی رادیوی بین‌المللی بهائی، محفوظ است. این متن تنها برای مطالعه شخصی است و استفاده از آن به شرط ذکر منبع "رادیو پیام دوست" و بدون هیچگونه تغییر و یا ویراستاری مجاز می‌باشد.